

فصلنامه «مطالعات نظریه و انواع ادبی»

دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه حکیم سبزواری
سال دوم، شماره چهار، پاییز ۱۳۹۶، صص ۴۶ - ۲۹

بازشناخت ساختار نوع ادبی لطیفه و مطایبه

محمدرضا حاجی آقابابایی^{۱*} منیرالسادات هاشمی^۲

دانشگاه علامه طباطبایی

تهران، ایران

چکیده

لطیفه و مطایبه، گونه‌هایی ادبی هستند که اگرچه در گفت‌وگوهای روزمره به کار می‌روند، توجه چندانی به آن‌ها به ویژه از منظر ساختار نشده است. لطیفه‌ها و مطایبه‌ها از گذشته تا کنون به عنوان وسیله‌ای برای شوخی، سرگرمی و خنداندن و همچنین بازگو کردن انتقادات اجتماعی در میان افراد کاربرد داشته است. لطیفه‌ها با الهام از زندگی آدمیان و جهان پیرامونی ایشان شکل می‌گیرند، گاه این رفتارها به گروه‌ها، اقوام مختلف یا جنسیتی خاص اختصاص داده می‌شود و یا آن‌ها را به خارج از دنیای انسانی نسبت می‌دهند. در متون ادب فارسی کتاب‌های چندی در خصوص جمع‌آوری لطیفه‌ها و مطایبات وجود دارد و شخصیت‌های طنزآمیزی نیز مطرح شده‌اند. با توجه به آن که مردم عادی بیشتر از این گونه‌های ادبی بهره می‌گیرند، می‌توان لطیفه‌ها و مطایبه‌ها را از گونه‌های رایج در ادبیات عامیانه به شمار آورد. با بررسی فرهنگ‌های لغت با تعاریفی کلی و تقریباً یکسان مواجه می‌شویم که بر اساس آن‌ها نمی‌توان تمایزی میان لطیفه، فکاهه، شوخی، مزاح، شوخ‌طبعی، مطایبه و... در نظر گرفت. در کتاب‌های انواع ادبی، لطیفه و مطایبه، معمولاً با موضوعاتی همچون طنز و هجو و هزل درآمیخته است و مباحث محتوایی آن‌ها را بررسی کرده‌اند و مختصات ظاهری لطیفه‌ها را بازگو نکرده‌اند. در این مقاله با بررسی حدود ۵۰۰ لطیفه و مطایبه، مختصات ساختاری این دو گونه ادبی و انواع آن بازگو شده است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات عامیانه، انواع ادبی، بازشناخت ساختاری، لطیفه، مطایبه.

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی: hajibaba@atu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی: Monir_hashemi@hotmail.com

زمان دریافت: ۱۳۹۶/۱/۸ زمان پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۱۹

۱- مقدمه

یکی از گونه‌های ادبی که چندان به بررسی ساختار آن توجه نشده است، گونه لطیفه است. اگرچه لطیفه در متون ادبی و گفت‌وگوهای روزمره کاربرد زیادی دارد، در حوزه مباحث انواع ادبی بحث زیادی در خصوص آن نشده است و این گونه ادبی را با موضوعاتی همچون طنز و هجو و هزل درهم آمیخته‌اند. لطیفه از گذشته تا کنون به عنوان وسیله‌ای برای شوخی، سرگرمی و خنداندن و همچنین بازگو کردن انتقادات اجتماعی در میان افراد کاربرد داشته است. لطیفه‌ها متن‌های طنزآمیزی هستند که موجب سرگرمی و نشاط افراد می‌گردند. هرچند کتاب‌های چندی در میان متون کهن به این گونه ادبی پرداخته‌اند با توجه به حضور گسترده این نوع ادبی، به ویژه در ادبیات عامیانه، مطالعه در خصوص آن ضروری به نظر می‌رسد. لطیفه‌ها با الهام از زندگی آدمیان و جهان پیرامونی ایشان شکل می‌گیرند؛ گاه این رفتارها به گروه‌ها، اقوام مختلف یا جنسیتی خاص اختصاص داده می‌شود و یا آن‌ها را به خارج از دنیای انسانی نسبت می‌دهند. در طول تاریخ لطیفه‌ها یکی از عوامل انتقاد از وضعیت موجود بوده است. «لطیفه یادآور آن چیزی است که در روال معمول زندگی مان مشترک است. لطیفه، آشکارکننده بُعد مشترک و عظیمی است که در زندگی اجتماعی ما حضوری ضمنی و غیر مستقیم دارد» (کریچلی، ۱۳۸۴: ۲۹).

کاربران لطیفه‌ها به قشر یا گروه خاصی از افراد جامعه محدود نمی‌شود و تمامی افراد در هر رده سنی و شرایط اجتماعی با توجه به جایگاه و موقعیت خود، آن‌ها را در مناسبات و روابط دوستانه خود استفاده می‌کنند. با بررسی لطیفه‌ها می‌توان ابعاد گوناگون فرهنگ یک ملت را مورد بررسی قرار داد. در واقع، لطیفه‌ها بیان بخشی از زندگی فردی و اجتماعی افراد هستند که یادآوری آن‌ها موجبات خنده و سرگرمی دیگران را فراهم می‌آورد. «می‌توان لطیفه را نشانه واپس‌زدگی اجتماعی دانست و مطالعه آن می‌تواند به منزله بازگشتی باشد برای آن‌چه واپس زده شده است. به دیگر کلام، طنز می‌تواند ما را آن‌گونه بنمایاند که نمی‌خواهیم باشیم (ر.ک: کریچلی، ۱۳۸۴: ۲۲).

نویسندگان و شاعران بسیاری از دیرباز، طنز را به عنوان یک نوع ادبی در آثار خود به کار برده‌اند. طنز واژه‌ای است که تعریف دقیق و روشنی برای آن ارائه نشده است و اغلب آن را معادلی برای Satire انگلیسی دانسته‌اند و گروهی نیز آن را معادل Humor ترجمه کرده‌اند (ر.ک: حری، ۱۳۸۳: ۳۵). با توجه به تعاریفی که در فرهنگ‌های مختلف برای طنز

آمده است سخن طنز در برابر سخن جد قرار می‌گیرد و خنده از عناصر اصلی آن محسوب می‌شود. «طنز یکی از انواع ادبی است و ابزارهایی دارد. از سوی دیگر طنز یکی از ابزارهای ادبی نیز هست. [...] طنز خیلی وقت‌ها در کلام و عبارت و لطیفه و حکایت کوتاه به کار برده می‌شود که گاه مستقل است و گاه جزئی از یک اثر ادبی است» (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۲۰). «معنی و مفهوم طنز بین ما و غربی‌ها متفاوت است. با وجود اصطلاح شدن طنز در مقابل Satire یا طنز غربی، تصویری که امروز خواننده فارسی زبان از طنز دارد با مشخصات طنز غربی نمی‌خواند. ما غالباً بین لطیفه و فکاهه یا به قول فرنگی‌ها جوک که هدفی جز خندانند ندارد و طنز که خنده در آن وسیله است نه هدف، فرقی نمی‌گذاریم. از طرفی در طنز غربی، خنده مسئله شیوه و سبک است؛ می‌تواند باشد می‌تواند نباشد. در صورتی که برای ما به علت درهم‌آمیختگی مفهوم طنز با لطیفه و فکاهه در ذهن‌مان، طنزی که ما را نخندانند، طنز نیست» (تجبر، ۱۳۹۰: ۶۲ نقل از پزشک‌زاد). لطیفه‌ها از منابع مهم طنز به شمار می‌آیند که مردم آن‌ها را می‌آفریند و خالق یا نویسنده مشخصی ندارند. «شوخی‌ها و لطیفه‌ها اگرچه ممکن است گاهی از سوی ادیبی طنزپرداز یا انسان‌شناسی خوش‌ذوق به حوزه ادبیات نوشتاری نفوذ کرده و به صورت مکتوب درآمد باشند، درست‌تر آن است که بدانیم با گونه‌ای از ادبیات شفاهی سروکار داریم» (فاضلی و هاشمی مقدم، ۱۳۹۳: ۳۹). در ادب فارسی با گونه‌ای متون روبه‌رو می‌شویم که از دیر باز تحت عنوان فکاهه قرار گرفته‌اند. با بررسی معانی گوناگونی که برای فکاهه در فرهنگ‌ها آورده شده است^۱، متوجه می‌شویم که تمام آن‌ها از نظر محتوایی بحث کرده‌اند و در خصوص چگونگی ساختار و فرم متن فکاهی سخنی مطرح نکرده‌اند.

۱-۱. بیان مسئله

در تحقیقاتی که پیرامون طنز و لطیفه انجام گرفته است، همواره در تعریف طنز و لطیفه تداخل معنی اتفاق افتاده و در تعریف آن دقت چندانی صورت نگرفته است. طنز جایگزین بسیاری از واژه‌ها چون: هزل، هجو، فکاهه، لطیفه و... شده به گونه‌ای که معنای آن دچار ابهام شده است. تا جایی که از تعاریف مربوط به طنز برمی‌آید، طنز به محتوای اثر مربوط می‌شود؛ در حالی که لطیفه ساختار و فرم یک اثر است. در این پژوهش سعی شده است به شناسایی مختصات ساختاری لطیفه پرداخته شود و ویژگی‌های خاص این گونه

ادبی مشخص شود. جامعه آماری این پژوهش ۵۰۰ لطیفه است که از میان متون کهن و متون معاصر به صورت اتفاقی برگزیده شده است.

۱-۲. پیشینه پژوهش

اگرچه در زبان فارسی مطالعات چندی درباره طنز صورت گرفته، پژوهشی در خصوص مختصات ساختاری لطیفه‌ها صورت نگرفته است. از پژوهش‌هایی که بر روی لطیفه‌ها انجام شده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «معرفی نظریه انگاره معنایی طنز و بررسی ایرادات آن بر مبنای داده‌های زبان فارسی» نویسنده در این مقاله به طرح نظریه تحلیل معنی‌شناسی و ساختار دو قطبی لطیفه‌ها پرداخته است (ر.ک: شریفی و کرامتی یزدی، ۱۳۸۹). «خندیدن به جهان» نویسنده در این مقاله به کارکرد لطیفه‌ها و نقش آن‌ها در انتقال پیام پرداخته است (ر.ک: ساکی، ۱۳۸۶). «به سبک لطیفه» در این پژوهش از منظر جامعه‌شناسی علت به وجود آمدن لطیفه‌ها بررسی شده است (ر.ک: وکیلی، ۱۳۸۶) «لطیفه‌ها از کجا می‌آیند» مقاله‌ای است که نویسنده درباره انگیزه ساخت لطیفه‌ها سخن گفته شده است. (ر.ک: اخوت، ۱۳۸۱). «لطیفه‌ها و ناخودآگاه» نویسنده در این مقاله به طرح نظریات روان‌شناسان درباره لطیفه پرداخته است (ر.ک: گلین ویلسون، ۱۳۸۰). با بررسی‌های انجام گرفته، مشخص گردید تا کنون پژوهشی در زمینه ویژگی‌های ساختاری لطیفه صورت نگرفته است.

۲- بحث و بررسی

با بررسی فرهنگ‌های لغت و همچنین کتاب‌های موجود درباره انواع ادبی، با مجموعه‌ای از تعاریف کلی و تقریباً یکسان مواجه می‌شویم که بر اساس آن‌ها نمی‌توان تمایزی میان لطیفه، فکاهه، شوخی، مزاح، شوخ‌طبعی، مطایبه و... در نظر گرفت. همان‌گونه که بازگو شد، در اکثر منابع، بحث محتوایی صورت گرفته است و به مسئله شکل و فرم نپرداخته‌اند. با بررسی اصطلاحات مطرح شده در این حوزه، شاید بتوان به دو اصطلاح اصلی لطیفه و مطایبه (شوخ‌طبعی) رسید که گونه‌ای ادبی به شمار می‌آیند. لطیفه‌ها و مطایبه‌ها عمدتاً به مسایل فرهنگی و اجتماعی ارجاع داده می‌شوند و از این رو برای فهم آن‌ها به برخی اطلاعات و پیش‌زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی و... نیاز است و بدون آشنایی با این پیش‌زمینه‌ها درک و فهم بعضی از لطیفه‌ها و مطایبه‌ها دشوار و گاه ناممکن می‌شود.

۱-۲. ساختار لطیفه

بر اساس یافته‌های این پژوهش، لطیفه را می‌توان متنی روایی دانست که در کوتاه‌ترین حالت ممکن، در پی ایجاد خنده در مخاطب است. در این تعریف، متن را به شکل حداکثری آن در نظر می‌گیریم که شامل گفتار، نوشتار و تصویر می‌شود. منظور از کوتاهی لطیفه‌ها نیز آن است که حداکثر در کمتر از ده جمله موجب خنده مخاطب شود.^۱ پاره‌ای از لطیفه‌ها با توجه به محتوای آن، قابلیت گسترش‌پذیری دارند و این امر موجب می‌شود تا تعداد جملات متن اولیه لطیفه زیاد شود. در واقع گوینده برای ایجاد تأثیرگذاری بیشتر، با آوردن جملات توضیحی و توصیفی که قابل حذف هستند، متن را گسترده می‌کند. تمایز لطیفه و داستان کوتاه طنزآمیز در آن است که داستان کوتاه طنزآمیز دارای عناصر داستانی مشخص است، در حالی که بیشتر لطیفه‌ها روایتی است که در آن با عناصر داستانی کامل و منسجمی روبه‌رو نیستیم؛ البته می‌توان داستان‌های بسیار بسیار کوتاه طنزآمیز را که دارای شاخصه‌های ارائه شده در تعریف لطیفه هستند، به عنوان گونه‌ای لطیفه محسوب کرد. با توجه به گستردگی و تنوع لطیفه‌ها، برای بررسی بهتر می‌توان آن‌ها را در سه دسته لطیفه‌های گفتاری، لطیفه‌های نوشتاری و لطیفه‌های تصویری تقسیم‌بندی کرد:

۱-۱-۲. لطیفه‌های گفتاری

منظور از لطیفه‌های گفتاری آن دسته از لطیفه‌ها هستند که گوینده، آن را برای مخاطبان بازگو می‌کند. تقریباً آن‌چه در ذهن همگان از لطیفه نقش بسته است، لطیفه‌های گفتاری است که در گفت‌وگوهای روزمره ممکن است میان افراد بازگو شود.

گروهی با هم به سفر رفتند و طفیلی با ایشان بود. خواستند تا هریک چیزی از هزینه را بپردازد. یکی گفت: نان با من. دیگری گفت: گوشت با من. سومی گفت: حلوا با من و طفیلی خاموش بود. او را گفتند چه چیز با توست؟ گفت همراهی هم با من. از گفته او بخندیدند و از پرداخت هزینه‌اش بخشوده داشتند (عبید، ۱۹۹۹: ۲۶۶).

جوحی گفت من و مادرم هر دو منجم ماهریم که در حکم ما خطا واقع نمی‌شود. گفتند این بزرگ دعوی است، از کجا می‌گویی؟ گفت از آن‌جا که چون ابری برآید من گویم باران خواهد کرد و مادرم گوید نخواهد کرد، البته یا آن شود که من گویم یا آن شود که او گوید (صفی، ۱۳۹۲: ۲۸۴).

نابینایی با زنی ازدواج کرد. زن گفت: کاش چشم داشتی تا زیبایی و جمال مرا می‌دیدى و در شگفت می‌شدی. نابینا گفت: خاموش باش! اگر تو چنینی که می‌گویی، تو را بینایان نگذاشتندی که به دست من افتی (راغب، ۱۳۷۱: ۲۸۲).

ملا مقداری هیزم روی کول خودش گذاشته بود و خودش هم سوار خرش بود. بچه‌های محل پرسیدند: چرا هیزم را روی الاغ نمی‌گذاری؟ ملا گفت: خدا را خوش نمی‌آید که هم خودم بار خر باشم، هم هیزم (صلاحی، ۱۳۸۰: ۱۴۶).

تو رستوران لیوانو برعکس گذاشته بودن روی میز، حیف نون می‌گه این چه لیوانیه که سر نداره؟! برعکسش می‌کنه، می‌گه چه جالب، ته هم نداره!

در لطیفه‌های گفتاری، راوی می‌تواند با استفاده از تقلید لهجه‌های گوناگون و حرکات و ادا درآوردن، باعث ایجاد خنده بیشتر در مخاطب شود:

مشهدیه: الو یونس هس؟

تهرونیه: نه بیرونه.

مشهدیه: تو کیشی؟

تهرونیه: نه من تهرانم.

مشهدیه: نه تو کیش میری؟!

تهرونیه: چرا باید برم کیش؟!

مشهدیه: نه موگوم تو کیشمیشی؟!

تهرانیه: کیشمیش خودتی شمبلیله!

لطیفه‌های گفتاری را می‌توان به صورت مکتوب درآورد، ولی باید توجه داشت که

صرف مکتوب کردن یک لطیفه آن را به لطیفه نوشتاری تبدیل نمی‌کند.

۲-۱-۲. لطیفه‌های نوشتاری

لطیفه‌های نوشتاری گونه‌ای از لطیفه‌ها هستند که شیوه نوشتار آن‌ها موجب خنده می‌شود. در این گونه لطیفه‌ها از شگردهایی بهره می‌گیرند که موجب تعلیق و درنگ می‌شود و هنگام روبه‌رو شدن خواننده با متن، خنده پدید می‌آید. این گونه لطیفه‌ها در دوره معاصر بسیار رونق یافته است و وسایل ارتباط جمعی همچون تلفن همراه در این امر مؤثر بوده‌اند. خلاقیت موجود در برخی از لطیفه‌های نوشتاری، حاصل بهره‌گیری از امکانات این گونه دستگاه‌هاست:

یک ماجرای چینی غم انگیز:

腫 檣 琴 執 壘 執 瑩 涸 牡

橫 擲 匣

砦 執 壘 執 猥 涸 牡 橫 敬 瑤

瀾 視 腫 李 儻 執 猥 坎 檢 杜 湍 羨

潤 澤 擢 診 咚 咚 肱 慢 正 牧 駿

泚 醫 جیگر آدم پاره پاره می شه! خصوصاً وقتی بهش گفت: 泚 醫

یه طوری هم دنبال می کنه، انگار «زبون چینی» بلده!

یه روز یه ژاپنی باعصبانیت به زنش می گه: tiki taka

زنش می گه: tuishe taki

ژاپنیه داد می زنه: suziki ozima mashta

زنه میزنه زیر گریه می گه: tiki tooo toas tko tkiki

خوشم میاد، همچین می خونی انگار سر در میاری.....!!!!

طرز نوشتن این لطیفه ها که از بالا به سمت پایین صورت می گیرد و به تدریج روی نمایشگر وسایل ارتباطی دیده می شود، موجب تعلیق و درنگ در خواننده می گردد و مطالبی که نویسنده در پی آن می آورد، ایجاد خنده می کند.

گاهی هنگام نوشتن لطیفه های گفتاری، برای ایجاد تعلیق و یا درنگ زمانی از علائم نگارشی بهره گرفته می شود. این دسته از لطیفه ها نیز از نوع لطیفه های گفتاری به شمار می آیند؛ زیرا طرز نوشتن، ایجاد خنده نمی کند، در حالی که در لطیفه های نوشتاری، طرز و شیوه نوشتن موجب خنده می شود.

یارو گوشه ایل خرید گذاشت جیب پشت شلوارش. تا نشست صدای تق شکستن اومد. با نگرانی گفت:

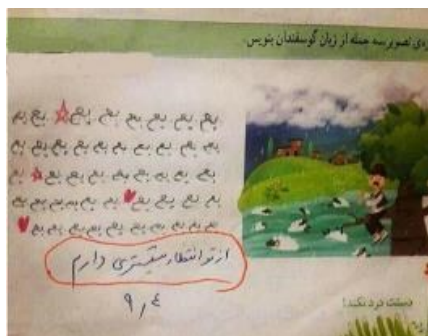
ایشالا به حق پنج تن که استخون لگنم باشه.

۳-۱-۲. لطیفه‌های تصویری

لطیفه‌های تصویری شامل عکس‌هایی است که از دنیای واقع گرفته شده است و با کارتون و کاریکاتور که حاصل ذهنیت طراح است، تمایز دارد. در این نوع از لطیفه‌ها تصویر بیانگر مطلبی است که موجب خنده می‌شود:



در لطیفه‌های تصویری، گاهی راوی با برجسته‌سازی در تصویر، باعث ایجاد درنگ و خنده می‌شود. برجسته‌سازی در تصاویر با نشانه‌گذاری در تصویر و یا توضیحی که راوی روی تصویر یا در پی آن می‌آورد، پدید می‌آید:



۲-۲. ساختار مطایبه / شوخ طبعی

مطایبه یا شوخ طبعی، متنی غیر روایی است که در کوتاه ترین شکل و زمان، در پی ایجاد خنده در مخاطب است. منظور از متن در این تعریف هرگونه رفتار، نوشتار، گفتار و تصویری است که موجب خنده شود. شوخ طبعی ها عمدتاً به تجربه های زیسته اشاره دارند و عموماً به نکاتی اشاره می کنند که در جهان واقع اتفاق افتاده اند. توصیف، عنصر اصلی شوخ طبعی ها است. برخی از شوخ طبعی ها فقط توصیفی از تجربه افراد هستند و فرم و ساختار برخی دیگر از شوخ طبعی ها به گونه ای است که با توصیف و توضیح روبه رو می شویم. در این گونه از مطایبه ها مؤلف با توصیفی که در ابتدا می آورد، باعث درگیری ذهنی مخاطب می شود و پس از اندکی درنگ، توضیحی می آورد که موجب غافل گیری و ایجاد خنده در مخاطب می شود. گاهی توصیفی که در ادامه آن یک توضیح می آید، به یک خاطره ملموس و تجربه های روزمره افراد ارجاع می دهد که برای اکثر مردم اتفاق افتاده است و با تجربه های آنها همخوانی دارد:

داستان کوتاه ترسناک:

«شرمنده، یه زحمتی برات دارم!»

جمله «شرمنده یه زحمتی برات دارم» به تجربه های روزمره ارجاع داده شده است و با یادآوری تجربه های حاصل از شنیدن این جمله باعث خنده می شود.
یادش به خیر تو راهنمایی ازمون پرسیدن علم بهتر است یا ثروت؟ منم با افتخار گفتم علم.

یه همچین آدم نفهمی بودما. یه چی می گم یه چی می شنوی.

در برخی از مطایبه ها مؤلف با استفاده از اطلاعات پیشین افراد، توصیفی می آورد و ذهن مخاطب را به درنگ و اندیشه وامی دارد؛ سپس توضیحی می آورد که با اطلاعات مخاطب در تضاد است و باعث غافل گیری او می گردد:

پروانه اگر سوخت، به جهنم! مقصر خودش بود، می خواست دور شمع، دلکک بازی درنیاره.

برخی دیگر از شوخ‌طبعی‌ها توصیف ویژگی‌های انسانی است که به حیوانات نسبت داده می‌شود و یا توضیحی است که مؤلف در ادامه توصیف می‌آورد و به تجربه‌های روزمره دیگران ارجاع می‌دهد:

اصلاً به حسرتی تو نگاه شتر هست که انگار اگه به تست بیشتر زده بود
دانشگاه شریف قبول می‌شد.

خرچنگ به جوری راه می‌ره که انگار همین الان دست‌هاشو شسته داره می‌ره
تو افاق عمل.

برخی از توضیحات که در ادامه توصیفی می‌آید، فقط یک نتیجه‌گیری و برداشت فردی
است و این نتیجه‌گیری مخاطب را به درنگ و خنده وامی‌دارد:

دخترای سرزمین من گریه نمی‌کنند، خسته از تفاوت‌ها، خسته از سنت‌های
باطل، خسته از عشق‌های دروغین، خسته از نگاه‌های شرم‌آور، بغض می‌کنند
اما گریه نه! نه این‌که احساس نداشته باشند؛ نه عزیزم... ریمل شده هفتاد هزار
تومن؛ می‌فهمی؟!

آغاز برخی از مطایبه‌ها توصیفی است که به طرح پرسش منجر می‌شود. درخواست برای
پاسخ، باعث نوعی برجسته‌سازی و ایجاد دقت مضاعف در مخاطب می‌گردد:

آقا یه سؤال بدجور ذهنمو درگیر کرده: مگه ما وقتی می‌ریم حموم تمیز
نمی‌شیم؟! پس چرا حوله بعد از یه مدت کثیف می‌شه؟ یکی جواب بده؛ دارم
داغون می‌شم.

تا حالا دقت کردین وقتی یه نفر شما رو دعوت به دیدن یه فیلمی که قبلاً
خودش دیده می‌کنه، وقتی فیلم پخش می‌شه، یه جوری نگاتون می‌کنه که
انگار خودش فیلمو ساخته؟! چون من تا حالا دقت کرده بودین!؟

با توجه به گستردگی و تنوع مطایبه‌ها می‌توان آن‌ها را به چهار دسته مطایبه‌های
گفتاری، مطایبه‌های نوشتاری، مطایبه‌های تصویری و مطایبه‌های رفتاری تقسیم کرد.

۱-۲-۲. مطایبه‌های گفتاری

مطایبه‌های گفتاری شامل بخشی از شوخ‌طبعی‌هاست که در قالب گفتار بیان می‌شود و
می‌تواند با رفتارهای مانند تقلید لهجه و تقلید رفتار کسی همراه باشد. مطایبه‌های گفتاری

را مانند لطیفه‌های گفتاری می‌توان به صورت نوشتار درآورد، ولی در حوزه مطایبه‌های نوشتاری قرار نمی‌گیرند:

جوحا شنید که شخصی می‌گفت: ماه چقدر زیباست! گفت: ای والله، مخصوصاً در شب (مجاهد، ۱۳۸۲: ۳۱).

طفیلی را پرسیدند اشتها داری؟ گفت: من بیچاره در جهان همین متاع دارم (صلاحی، ۱۳۸۰: ۱۱۸).

ثعالبی گوید: اگر دیدی پگاه مردی از در بیرون آید و گوید ما عندالله خیر و ابقی (و آن چه نزد خداست بهتر و پایدارتر است) بدان که در همسایگی او مهمانی بوده و او بدان خوانده نشده است و اگر دیدی گروهی از مجلس قضا بیرون می‌آیند و می‌گویند و ما شهدنا الا بما علمنا (جز آن چه دانستیم گواهی ندادیم) بدان که همانا گواهی ایشان پذیرفته نشده است (عبید، ۱۹۹۹: ۲۶۷).

وقتی میرم حموم با چنان ظرافت و دقتی آب گرم و سرد رو تنظیم می‌کنم، انگار دارم رمز گاو صندوق بانک مرکزی رو باز می‌کنم.

اگه مطالب درسی رو به صورت جوک درباریم و واسه هم بفرستیم، آخر ترم هممون قبولیم.

۲-۲-۲. مطایبه‌های نوشتاری

مطایبه‌های نوشتاری آن دسته از مطایبه‌ها و شوخ‌طبعی‌ها هستند که فرم و چگونگی نوشتن آن‌ها موجب ایجاد خنده می‌شود و مؤلف با ایجاد درنگ و اندیشه آفرینی، موجب خنده در مخاطب می‌شود:

چه تلخ است

.

.

.

شکلات ۹۶٪ رو می‌گم!

فکر کردی میخام عاشقانه بگم... نه بابا حال داریا...!

۳-۲-۲. مطایبه‌های تصویری

مطایبه‌های تصویری، تصاویری هستند که مخاطب با دیدن آن‌ها واژه‌ها یا اصطلاحات خاصی به ذهنش متبادر می‌شود:

 <p>آش. تی (آشتی)</p>	 <p>آب. گرمکن (آبگرمکن)</p>
 <p>"د" رنگ کردن (درنگ کردن)</p>	 <p>کتک کت</p>

۴-۲-۲. مطایبه‌های رفتاری

منظور از مطایبه‌های رفتاری، حرکتی ارادی است که در واکنش به گفتار یا رفتار دیگران پدید می‌آید و موجب خنده می‌شود؛ مانند چشمک‌زدن، حرکات دست، شیشکی بستن، سوت‌زدن و... که به منظور تمسخر سخن یا رفتار کسی و یا برای شوخی با او انجام می‌گیرد.

۳- نتیجه

دو گونه ادبی لطیفه و مطایبه (شوخی‌طبعی) از جمله موضوعاتی هستند که اگرچه از دیرباز در متون ادب فارسی و همچنین میان مردم کاربرد داشته‌اند، بررسی ساختاری چندانی روی آن‌ها صورت نگرفته است. آن‌چه در خصوص لطیفه و مطایبه از خلال مطالعه

آثار گوناگون به دست می‌آید، نگاه محتوایی به این دو گونه ادبی است و عمدتاً تحت موضوعاتی همچون هجو و هزل و طنز به آن پرداخته شده است. در این پژوهش بر اساس مطالعه صورت گرفته روی پانصد لطیفه و مطایبه از متون گوناگون ادبی و همچنین زبان روزمره مردم، ساختار و فرم این دو گونه ادبی بررسی شده است. بر این اساس می‌توان لطیفه را متنی روایی دانست که در کوتاه‌ترین زمان ممکن در پی ایجاد خنده در مخاطب است و همچنین مطایبه نیز متنی غیرروایی است که در کوتاه‌ترین شکل و زمان ممکن در پی خنداندن مخاطب است. البته باید توجه داشت که متن در این تعاریف در معنای حداکثری آن به کار می‌رود و شامل گفتار، نوشتار، رفتار و تصویر است.

یادداشت‌ها

۱. فرهنگ‌های مختلف زبان فارسی فکاهه را چنین معنی کرده‌اند:
 - «نوشته‌ها و گفته‌هایی که سبب خنداندن دیگران شود» (لغت‌نامه دهخدا، ذیل فکاهی).
 - «نوشته یا گفته‌ای که براساس طنز و شوخی پرداخته شود» (فرهنگ معین، ذیل فکاهی).
 - «گفتار شعر و مانند آن همراه با شوخی چنان که موجب خنده شود» (فرهنگ بزرگ سخن، ذیل فکاهه).
 - «دارای حالت خنده یا شوخی، به ویژه در مورد گفتار یا نوشتار» (فرهنگ عمید).
 - «نوشته یا شوخی که بر مبنای طنز و شوخی پرداخته شود» (فرهنگ زبان فارسی، ذیل فکاهی).
۲. قید کمتر از ۱۰ جمله براساس جامعه آماری این پژوهش (۵۰۰ لطیفه) ارائه شده است.

کتابنامه

۱. اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۷۴). *نقیضه و نقیضه‌سازان*، تصحیح ولی‌الله درودیان، تهران: انتشارات زمستان.
۲. اخوت، احمد. (۱۳۸۱). «*لطیفه‌ها از کجا می‌آیند*»، مجله *پروین مهر*، شماره ۸: ص ۷.
۳. انوری، حسن. (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
۴. تجبر، نیما. (۱۳۹۰). *نظریه طنز*، چاپ اول، تهران: انتشارات مهرویستا.
۵. حری، ابوالفضل. (۱۳۸۳)، *درباره طنز*، تهران: نشر سوره مهر.
۶. حق شناس، علی‌محمد. (۱۳۸۹). *فرهنگ معاصر هزاره*، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
۷. راغب اصفهانی، ابوالقاسم. (۱۳۷۱). *نوادیر*، ترجمه محمدصالح قزوینی، تهران: انتشارات سروش.

۸. زاکانی، عبید. (۱۹۹۹). *کلیات عبید زاکانی*، به اهتمام محبوب محمّدجعفر و زیر نظر احسان یارشاطر، نیویورک: انتشارات Bibliotheca Persian Press.
۹. ساکی، رضا. (۱۳۸۶). «خندیدن به جهان»، *خردنامه همشهری*، شماره ۲۴: ص ۵۷.
۱۰. شریفی، شهلا و کرامتی یزدی، سریرا. (۱۳۸۹). «معرفی نظریه انگره معنایی طنز و بررسی ایرادات آن بر مبنای داده‌های زبان فارسی»، *پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، شماره ۲.
۱۱. شمیسا، سیروس. (۱۳۸۷). *انواع ادبی*، ویرایش چهارم، تهران: انتشارات میترا.
۱۲. صفی، فخرالدین علی. (۱۳۹۲). *لطائف الطوائف*، تصحیح سبزیان‌پور و دارابی، تهران: انتشارات یار دانش.
۱۳. صلاحی، عمران. (۱۳۸۰). *طنز و شوخ‌طبعی ملا نصرالدین*، چاپ اول، تهران: انتشارات نخستین.
۱۴. کاتوزیان، همایون. (۱۳۹۵). *طنز و طنزینه هدایت*، تهران: انتشارات پردیس دانش.
۱۵. کریچلی، سایمون. (۱۳۸۴). *در باب طنز*، ترجمه سهیل سُمی، تهران: انتشارات ققنوس.
۱۶. عمید، حسن. (۱۳۸۹). *فرهنگ عمید*، چاپ اول، تهران: نشر اشجع.
۱۷. فاضلی، نعمت‌الله و هاشمی‌مقدم، امیر. (۱۳۹۳). *بررسی متون طنزآمیز عامیانه ایرانی*، تهران: انتشارات علمی.
۱۸. ماریال، جان. (۱۳۹۳). *فلسفه شوخی*، ترجمه غلامرضا اصفهانی، تهران: انتشارات ققنوس.
۱۹. مشیری، مهشید. (۱۳۸۸). *فرهنگ زبان فارسی*، تهران: انتشارات سروش.
۲۰. معین، محمد. (۱۳۸۲). *فرهنگ فارسی معین*، تهران: انتشارات یس‌گل.
۲۱. وکیلی، شروین. (۱۳۸۶). «به سبک لطیفه»، *خردنامه همشهری*، شماره ۲۴: ۷۰.
۲۲. ویلسون، گلین. (۱۳۸۰). «طیفه‌ها و ناخودآگاه»، ترجمه مژگان رسولی، *کیهان کاریکاتور*، شماره ۱۱۵ و ۱۱۶: ۴۵-۴۲.

